

سبک زندگی فردی. فراغت. دانش عمیق

# حوضچه‌ای عمیق یا اقیانوسی مسطح؟

سارا مومنی  
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

در کنار زمانی که هر کدام از ما به کار و تلاش زندگی روزمره اختصاص می‌دهیم، زمانی برای استراحت، فراغت و خروج از روال همیشگی داریم که اگر به صورت ممتد و در بازه‌های زمانی مشخص تکرار شود، خودش هم تبدیل به یک عادت می‌شود. یکی از اینها مطالعه است. مطالعه یکی از کارهایی است که در مفاهیم «فراغت» و «موقعیت اجتماعی» که هر دو از ابعاد سبک زندگی فردی و اجتماعی هستند، به طور مشترک حضور دارد. در بعد موقعیت اجتماعی اگر بخواهیم دوران قبل از مدرسه را فاکتور بگیریم، از هفت سالگی با کتاب و مطالعه و خواندن آشنا می‌شویم، تحصیلات مان را ادامه می‌دهیم و تا مقطعی که انتخاب می‌کنیم به سمت دانشی که می‌خواهیم، پیش می‌رویم و به تبع تلاشی که در این راه کرده‌ایم به یک موقعیت اجتماعی می‌رسیم.

در بعد فراغت هم باید از روزهایی یاد کرد که نوزاد بودیم و بابا و ماما به دست مان کتاب‌های پارچه‌ای می‌دادند و رنگ‌ها و شکل‌ها را می‌دیدیم و لذت می‌بردیم. بزرگتر که شدیم و خواندن یاد گرفتیم، آرام آرام فهمیدیم که به چه موضوعی بیشتر از همه علاقه داریم و کنجکاویم که درباره آن بیشتر بدانیم و بخوانیم؛ هنر، زیست، فیزیک، ادبیات، رایانه، داستان و غیره. اما همه چیز به همین راحتی و خوبی پیش نرفت. عواملی بیرون از ما شکل گرفتند و گسترده شدند که روی ما، علایق و انتخاب‌هایمان مؤثر بودند.

شخصیت  
آدم‌ها را از دو  
چیز می‌توان  
شناخت؛  
کتاب‌هایی  
که مطالعه و  
آدم‌هایی که  
ملاقات می‌کنند

## صدا و تصویر؟ بله. کتاب؟ خیر!

یکی از عوامل مهمی که روی ما، علایق و انتخاب‌هایمان در حوزه فراغت و موقعیت اجتماعی تأثیر گذاشتند، رسانه‌های جمعی بودند. پس از صنعت چاپ و مطبوعات، همه آدم‌ها در کشورهای مختلف با حجم وسیعی از اطلاعات جهانی در قالب صدا و تصویر مواجه شدند که نظریه‌پردازان از آن به نام انفجار اطلاعاتی یاد می‌کنند. اخبار، دانش، قصه‌ها و وقایعی که پیش از این از طریق تلگرام، نوشتار و کتب مختلف در اختیار مردم در طبقه‌ای خاص قرار می‌گرفت، به ناگه در قالب تصویر و صدا و با سرعتی بیش از متون چاپی به تمام مردم جهان مخابره شد. اطلاعات مختلف از حوزه‌ها و کشورهای مختلف میان مردم جهان چرخید و این فارغ از پیامدهای مثبت و منفی مختلفی که داشت و جای صحبت کردن از آن در این مطلب نیست، میان مطالعه و مردم در هر دو بعد موقعیت اجتماعی و فراغت فاصله‌ای ایجاد کرد. آدم‌ها دیگر برای کسب اطلاعات مختلف و همچنین پرکردن فراغت‌شان صرفاً کتاب و مطالعه را انتخاب نمی‌کردند، بلکه فیلم، موسیقی، اخبار، دانش و نمایش‌های مختلف را از رسانه‌های جمعی دریافت می‌کردند و این طور دانش و فراغت خود را در مسیر علایق خود پیش می‌بردند. بنابراین کتاب و مطالعه در بعد فراغتی مردم کم‌رنگ شد و در حوزه موقعیت اجتماعی، جایگاهی پررنگ‌تر و اختصاصی‌تر پیدا کرد؛ به این معنا که به مطالعه و کتابخوانی در راستای کسب علم و دانش تخصصی اهمیت بیشتری داده شد. این مسأله با آمدن رسانه‌های جدید نه تنها شدت بیشتری گرفت، بلکه تغییرات ماهیتی در کیفیت دانش کسب شده مردم ایجاد کرد.

## اینترنت؟ کارخانه اقیانوس‌های مسطح

پس از کم‌رنگ شدن حضور کتاب در زمان فراغت‌مان، چشم و گوش همه ما به رسانه‌های جمعی بود. به صداها و تصاویری که می‌دیدیم و می‌شنیدیم. هیچ وقت فکرش را نمی‌کردیم که امکانش ایجاد شود و روزی برسد که خودمان به یک رسانه کوچک تبدیل شویم که در عین اینکه از رسانه‌های کوچک دیگر تغذیه می‌کنیم و آنها را مصرف می‌کنیم، خودمان نیز رسانه‌ای شویم و «دانش» و اطلاعات خودمان را برای مصرف دیگران منتشر کنیم. شاید در ابتدا این امر یک فرصت و امکان خوب تلقی می‌شد که دیگر آدم‌ها مخاطب صرف نیستند و می‌توانند کنشگری و فعالیت داشته باشند و اصلاً خودشان تبدیل به یک رسانه شوند. بنابراین چشم و گوش‌های ما در رسانه‌های جمعی به سمت رسانه‌های اجتماعی برگشت و با تصور اینکه حالا خودمان هم رسانه و کاربر هستیم، دست به کار شدیم و دانش و محتوایی را که می‌خواستیم، در هر سطح و مقداری که بود، منتشر کردیم. این مسأله باعث شد که ما نیز به اطلاعات کاربران دیگر دسترسی داشته باشیم و این طور فکر کنیم که همین دیدن، شنیدن و خواندن محتوا و اطلاعات کاربران دیگر، به ما یک دانش گسترده می‌دهد که می‌تواند بخوبی جایگزین اخبار، اطلاعات دست اول و کتاب‌ها بشود. عطش ما به دیدن و شنیدن و انتشار اطلاعات مختلف و وقایع روز بیشتر شد و همین باعث شد که بدون توجه به انتخاب، علاقه و تخصص و استعدادمان، اجازه بدهیم که بازمهم همه نوع محتوا و دانش و اطلاعاتی به گوش و چشم و عقل‌مان منتقل شود و این طور شد که فکر کردیم نسبت به همه چیز دانش داریم و بنابراین می‌توانیم درباره همه چیز صحبت کنیم، نظر بدهیم و قضاوت کنیم. اما این فقط از ما اقیانوس‌هایی با عمق یک بند انگشت ساخت.

دانش‌های سطحی، غیرشفاف و قضاوت پذیر اما اعتماد به نفس‌ساز که دیگر دانش نبودند. بلکه توده‌ای از داده و محتوای درهمی بودند که بازمهم در واقعیت ما را تبدیل به یک مخاطب منفعل کردند؛ اما در ظاهر این فکر را در ما ایجاد کردند که کاربر و فعال و کنشگر هستیم و بی‌نیاز از مطالعه و کتاب برای موقعیت اجتماعی و حتی فراغت‌مان.

## کتاب‌ها و آدم‌ها ما را می‌سازند، ما کتاب‌ها و آدم‌ها را می‌سازیم

مسأله انتخاب مطالعه و کتاب خواندن چه برای تحصیل و چه برای اوقات فراغت به قدری ارزشمند و مهم است که آن را مستقیماً بر شخصیت آدم‌ها مؤثر می‌دانند. یکی از نویسندگان مطرح جهان جمله خوبی درباره آدم‌ها دارد؛ او معتقد است که شخصیت آدم‌ها را از دو چیز می‌توان شناخت، کتاب‌هایی که مطالعه می‌کنند و آدم‌هایی که ملاقات می‌کنند. این موضوع درباره رسانه‌های فردی و جمعی دیگر این گونه نیست و علت این فقط به ماهیت عمیق، فردی، روشن و مشخص دانش در قالب کتاب برمی‌گردد. کتاب مطالعه یک دانش متمرکز، مشخص و روشن را به ما منتقل می‌کند. رسانه‌های دیگر این دانش و محتوا را به صورت غیرمتمرکز، سطحی و پراکنده منتشر می‌کنند؛ چیزی که نه تنها سازنده نیست، که مخرب هرآنچه پیش از این ساخته شده نیز خواهد بود.

اقیانوس مسطح  
بودن باعث  
می‌شود که  
اطلاعات عمیق  
و کافی درباره  
موضوع‌ها  
نداشته باشیم،  
اما فکر کنیم همه  
چیز را می‌دانیم  
و می‌توانیم  
درباره همه  
چیز به درستی  
حرف بزنیم،  
نظر بدهیم و  
آن را قضاوت یا  
ارزشگذاری کنیم

## انتخاب دانش عمیق و واقعی

اقیانوس مسطح بودن باعث می‌شود که اطلاعات عمیق و کافی درباره موضوع‌ها نداشته باشیم، اما فکر کنیم همه چیز را می‌دانیم و می‌توانیم درباره همه چیز به درستی حرف بزنیم، نظر بدهیم و آن را قضاوت یا ارزشگذاری کنیم. این اتفاق نه تنها کمکی به رشد فردی خودمان نمی‌کند، نه تنها به درستی فراغت‌مان را پر نمی‌کند، نه تنها اثر مثبتی روی موقعیت اجتماعی مان ندارد، بلکه هیچ اثرگذاری مثبتی روی تولید علم و دانش برای عموم و رشد عمومی علم در سطح جامعه هم ندارد. بله، حالا آرام آرام به سمت دانش دست اول، کتاب و مطالعه برمی‌گردیم. حتی اگر نوع آن را تغییر بدهیم و مثلاً مطالعه خلاصه کتاب‌های مورد علاقه‌مان یا کتاب‌های صوتی را انتخاب کنیم، باز هم کتاب و دانش عمیق را به سبک زندگی خود برگردانده و تصمیم گرفتیم که از اقیانوس مسطح کارخانه‌ای بودن فاصله بگیریم. فارغ از این، انتخاب و عمیق شدن در یک موضوع، باعث می‌شود که درباره موضوع‌های مختلف، رفتاری حرفه‌ای و انسانی داشته باشیم و با نگاهی بدون جانبداری اما فعال، اطلاعاتی را که به سمت مان می‌آیند، مدیریت کنیم و عاقلانه، محتاطانه و منصفانه تصمیم بگیریم که در مواجهه با آنها چه واکنشی داشته باشیم. به طبع، هنگام تولید محتوا نیز خودمان فقط درباره چیزی حرف می‌زنیم که در اوقات فراغت آن را مطالعه کرده‌ایم، به آن علاقه داریم و در زمان‌های مختلف اطلاعات مربوط به آن را پیدا می‌کنیم، مطالعه می‌کنیم و دانش مان را در حوزه آن به‌روز می‌کنیم.